

مسائل تربیت دینی در فضای مجازی و نحوه مواجهه با آن

پرستو مصباحی جمشید *

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۵/۱۲

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۹/۲۷

چکیده

تربیت دینی به‌عنوان یکی از رویکردها به تربیت، در مواجهه با فضای مجازی به‌عنوان یکی از بسترهای تحقق این رهیافت با مسائلی مواجه است که هدف این پژوهش، پرداختن به آن است. دستیابی به این هدف از طریق تبیین مبانی نظری موضوع پژوهش و تحلیل استلزامات آن صورت گرفته است. در این پژوهش به مبحث آشنایی با محکومات و متشابهات در تربیت دینی و بایسته‌های فضای مجازی که در دو محور «ضرورت درک خدای همه‌جاحاضر» و «وجود اخلاق نظارتی» می‌گنجد، پرداخته شده است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است و یافته‌ها حاکی است میان عناصر تربیت دینی و ویژگی‌های فضای مجازی تناظری برقرار است که در برخی موارد به تحقق تربیت دینی مطلوب یاری می‌رساند و در مواردی نیز به‌عنوان مانع عمل می‌کند. تحلیل این تناظر علاوه بر اینکه به شناخت عوامل و موانع تربیت دینی یاری می‌رساند، راهکار مواجهه با مسائل تربیت دینی در فضای مجازی را نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: تربیت دینی؛ فضای مجازی؛ عقلانیت؛ معنویت، انسان‌شناسی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه و مبانی نظری

تربیت دینی از گذشته تاکنون، همواره مسئله مورد توجه انسان بوده است و نظراتی در تأیید یا انکار آن از سوی اندیشمندان مطرح شده است. موضوع این پژوهش بررسی مسائل پیش روی تربیت دینی در مواجهه با یکی از نمودهای پدیده فراگیر جهانی شدن، یعنی «فضای مجازی» است. مقصود از تربیت دینی، به‌طور خاص تربیت اسلامی است و مقصود از مسائل آن، مباحث، چالش‌ها و رهیافت‌های تربیت دینی در عصر حاضر است. ضرورت پرداختن به وضعیت تربیت دینی در عصر تکثرپذیر پست‌مدرنیسم، از آنجا آشکار می‌گردد که رد بنیان‌گرایی و قطعیت‌باوری پست‌مدرنی در بافتی غیرتوحیدی، دغدغه معنাজویی انسان معاصر را سمت‌وسو داده است و فضای مجازی که ماهیت فلسفی خود را از پست‌مدرنیسم اخذ کرده است، بستر این تغییرات شده است. طرح این مسائل با توجه به اینکه پست‌مدرنیسم جریان فکری غالب در عصر فناوری است و با اصول برجسته‌ای چون مرکز‌گریزی، کثرت و نسبی‌گرایی، قداست‌زدایی، رد کلان‌روایت‌ها و هویت سیال در عرصه تفکر بشر گسترده شده است، طبیعی می‌نماید. این جریان فکری به تولد و تحول مفاهیم، معانی، مصادیق و نتایج جدیدی منجر شده که نقش و کارکرد انسان را در عالم هستی متفاوت کرده است. از سوی دیگر در دانش و نظام فرهنگی قرن جدید، انقلاب رسانه‌ای رقم خورده است و جامعه اطلاعاتی نوین، حقیقتی با عنوان واقعیت مجازی را ساخته و پرداخته است که زیست انسانی را در سطوح فردی و اجتماعی تغییر داده است. به‌عبارتی فرهنگ انفورماتیکی حالت کنونی تمدن انسانی است. در این فضا مسئله مطرح این است که آیا بهره‌مندی انسان از توفیقات درخشان علم و فناوری که در فضای تازه سربرآورده مجازی، به بهترین شکل خود را نمایان کرده است، ضرورتاً انسان را وادار می‌کند که ارزش‌های انسان را نفی کند و عناصر اصلی تربیت مبتنی بر دین را که از آن بهره‌مند بوده است، به‌چالش کشد یا اینکه امکان برخورداری از مزایای فناوری‌های جدید در عین پایبندی به عالم قدس و مظاهر آن وجود دارد.

براساس مطالعه محقق در باب پیشینه موضوع پژوهشی، موارد زیر احصا شده است: عباسی در پژوهشی به موضوع «دین در فضای مجازی، مطالعه جامعه‌شناختی مشارکت در اجتماعات دینی مجازی و رابطه آن با اجتماعات دینی واقعی» (۱۳۹۱) پرداخته است؛ نتایج این تحقیق حاکی از شکل‌گیری تغییراتی در فرهنگ اجتماعات دینی بوده است. همچنین رابطه بین دو اجتماع مجازی

و واقعی از نظر مشارکت، رابطه جایگزینی نبوده، بلکه مکمل بوده است. کرم‌الهی در مطالعه‌ای با عنوان «اینترنت و دینداری» (۱۳۹۰) به این نتیجه رسیده است که میزان پایبندی غیرکاربران به باورهای دینی بیشتر از کاربران است و میزان التزام کاربران اینترنت به اخلاق دینی بیشتر از غیرکاربران است. در میان پژوهش‌های خارجی هیچ موردی یافت نشد که دو مفهوم فضای مجازی و تربیت دینی را در تلاقی با یکدیگر مورد بررسی قرار داده باشد، اما در باب رابطه دین و فناوری، تألیفاتی صورت گرفته است که یکی از مهم‌ترین آنها کتاب دین و تکنولوژی در قرن بیست‌ویکم است که توسط جرج در سال ۲۰۰۶ نوشته شده است و به بررسی رابطه فناوری و دین و چالش‌های پیش روی آن پرداخته است. از نظر نویسنده امکان هم‌افزایی میان دین و فناوری وجود دارد. تحقیقات فوق به برخی از ابعاد این موضوع پرداخته‌اند و در این پژوهش با طرح سؤالات زیر ابعاد گسترده‌تری از موضوع مورد بررسی قرار گرفته است: ماهیت واقعیت مجازی چیست و این ماهیت چگونه به تحقق تربیت دینی مطلوب یاری می‌رساند؟ آشنایی و تشخیص محکمت و متشابهات چگونه به تحقق تربیت دینی در فضای مجازی منجر می‌شود؟ چه راهکاری برای حل مسائل تربیت دینی در فضای مجازی وجود دارد؟

روش پژوهش

در این پژوهش از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است و با مبنای قرارداد چند مسئله نظری به عنوان پایه پژوهش، مسائلی را که تربیت دینی در مواجهه با فضای مجازی با آن روبه‌روست، مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش از حیث هدف، کاربردی است و جامعه تحلیلی شامل کلیه اسناد و پایگاه‌های اطلاعاتی موجود بوده است.

- ماهیت تربیت دینی

دو رویکرد عمده به مقوله تربیت وجود دارد: ۱. رویکرد دینی که بر آموزش سیرت شایسته و تربیت منش مطلوب تأکید دارد؛ ۲. رویکرد سکولار که بر خودشکوفایی و خودتیبینی ارزش‌ها بدون اتکا به منبع بیرونی استوار است. در نظام تربیتی اسلام، آنچه از معنای تربیت دینی با توجه به منابع اصلی یعنی کتاب، سنت، عقل و اجماع استنباط می‌شود، مشتمل بر این است که تربیت رشد و نمو، پرورش و هدایت انسان به سمت کمال است، این هدایت از طریق رساندن به درجاتی از بلوغ

همه‌جانبه جهت تشخیص حق از باطل صورت می‌گیرد و حاصل آن تزکیه نفس و پیراستن آلودگی‌ها و آراستن به فضایل در دنیا و وصول به سعادت در عقبی است. در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، تعلیم و تربیت اسلامی با چند شاخصه مهم معرفی شده است: «فرایندی است تعالی‌جویانه، تعاملی، تدریجی، یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی» (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۰). همچنین تربیت دینی با تربیت عقلانی همسو است و هدف آن رسیدن به جایگاه «قرب» است. امام علی (ع) می‌فرماید: «عاقل‌ترین مردم، نزدیک‌ترین آنها به خداست» (آمدی، ۱۳۴۰: ۸۴۳). تربیت دینی علاوه بر عقلانیت از عنصر مهم دیگری نیز برخوردار است و آن معنویت است. معنویت موجود در تربیت دینی چند مؤلفه اساسی دارد و آن اینکه متکی به نگرش توحیدی است و به این دلیل غیر از معنویت‌های نوپدید می‌باشد، متمرکز بر «خود» در ساحت ربوبی بشر است، بر شناخت استوار است، توسعه‌میل و گرایش درونی انسان به کمال است و متری را ملتزم به عمل می‌کند (مصباحی جمشید و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۱). طبق این اوصاف انسان در تربیت دینی موجودی برخوردار از عقل و معنویت است که برای وصول به حیات طیبه در تلاش و سلوک است.

– ماهیت فضای مجازی

فضای مجازی که از آن تعبیر به فناوری ارتباطات و اطلاعات می‌شود، محصول صنعت جهانی ارتباطات است و همواره با دگرگونی ساختارهای اجتماعی همراه بوده است. در واقع، یکی از رویدادهای فناورانه، تحقق فضای سایبرنتیک است که با بیشترین نزدیکی ماهیت فناوری را آشکار می‌کند. بنیان‌گذار علم سایبرنتیک «نوربرت وینر»^۱ است. او معتقد است که سایبرنتیک از واژه یونانی کوبرنتس^۲ به معنای سکاندار که خود منشأ واژه گاورنر^۳ است، اخذ شده است (بندیکت، ۱۹۹۱: ۵). گیسون نیز فضای مجازی را برای توصیف فضایی به کار می‌برد که اولاً تخیلی است و ثانیاً از اتصال رایانه‌هایی که متصل و مرتبط‌کننده تمام منابع اطلاعاتی به هم هستند، به وجود آمده است (گیسون، ۱۹۸۴: ۶۷). از بطن فضای مجازی، واقعیت مجازی بیرون می‌آید؛ امری که انسان معاصر را به خود مشغول داشته و سکونت جدیدی را در دنیا برای او ایجاد کرده

1. Norbert Wiener
2. Kubernets
3. Governer

است. این نحوه جدید زیستن، هم متأثر از فناوری‌های بودن فضای مجازی است و هم متأثر از ذات فضای مجازی است که انسان مصرفی یا به تعبیر بودریار «انسان چیدمانی» (بودریار، ۱۳۹۳: ۳۲) را به وجود آورده است. تبیین ماهیت فضای مجازی بدون پرداختن به ویژگی‌های آن میسر نمی‌باشد؛ لذا در ادامه به توضیح این ویژگی‌ها پرداخته می‌شود:

متن محوری: متن شامل هر نوع محتوای ارتباطی مانند کتاب، تصویر موجود در یک تابلو و صوت است؛ هر کس با هر اندازه دانش امکان تولید متن را دارد؛ متون با یکدیگر پیوند برقرار می‌کنند و ابرمتن تولید می‌کنند (هایم، ۱۳۹۰: ۷۸)؛ متون اینترنتی در حد وافر باز و غیرمحدودند؛ شش ویژگی کلیدی متون وب از نظر میترا و کوهن عبارتند از: بینامتنیت، غیرخطی بودن، محونمودن تمایز بین خواننده و نویسنده، چندرسانه‌ای بودن، جهانی بودن و گذرایی (بل، ۱۳۸۹: ۲۹۸).

زیست شبکه‌ای: محیط شبکه از افراد، سازمان‌ها، فعالیت‌ها، خدمات و تجهیزات فناوری تشکیل شده است. شبکه اختیار نامحدودی به کاربر می‌دهد تا شخصیت مورد نظر خود را بسازد، آن را تعریف و بازنمایی کند، سپس بدون التزام از آن شخصیت دست برداشته و نوع دیگری را تجربه کند و در فضای مجازی فردگرایی درعین زیست شبکه‌ای وجود دارد (کاستلز، ۲۰۰۱b: ۱۲۸)؛ هدفی کلیدی که میان مفاهیمی مانند شبکه، اینترنت، اطلاعات، مجاز و رسانه پیوند ایجاد می‌کند، «ارتباط» است؛ همچنین منطق خاموش روشن یا منطق دوتایی بر کل زیست شبکه‌ای سیطره دارد. وجود دیدپذیری عمومی (بندیکت، ۱۹۹۱b: ۱۷۸) ویژگی دیگر آن است.

توده محوری: به معنای این است که دسترسی بدون محدودیت کاربران به همه اطلاعات وجود دارد، فاقد هر نوع سامانه نظارتی است، گفتگوها تهی‌اند، اطلاعاتی که ردوبدل می‌شوند فاقد عمقند؛ «کاربران معمولی» دریافت‌کنندگان منفعل فناوری‌اند (بل، ۱۳۹۰: ۸۶)؛ جستجوی هر مطلبی با موارد زیادی از پیشنهادها همراه است و تنوع دسترسی به اطلاعات به حدی است که تشخیص اطلاعات درست از نادرست را برای کاربر معمولی دشوار می‌کند، کاربران از احساس «آزادی» سرشار می‌شوند، در این فضا تعامل آزادانه، تبادل بی‌ملاحظه، ایفای نقش غیرکارشناسانه، بیان صریح علائق و باورها، انتخاب شخصی، آزادی عمل و پیوند و گسست غیرملاحظه کارانه وجود دارد.

مرزشکنی و کشف ناشناخته‌ها: وب هر روز کاربرد تازه‌ای دارد و درحال غافل‌گیر کردن

کاربران است؛ پیش‌بینی‌های عجیب و غریب در مورد شکل‌های آیند[شبکه وجود دارد. مرزشکنی و همسان‌شدگی: به معنای از بین رفتن سلسله‌مراتب و نامرئی شدن تفاوت‌هاست، با توجه به این ویژگی روابط افراد و پدیده‌ها بیشتر به سیالیت و سستی گرایش دارند تا دوام و بقا، واکنش خنثی نسبت به پیوندهای محکم وجود دارد و این به دلیل غلبه سطح بر عمق است (کارنت و پترسون، ۱۹۹۸: ۳۱)؛ از بین رفتن مرزها در روابط زن و مرد، محو مرز بین انسان و ماشین، نفی مرز بین عقل و جهل و برداشته شدن مرز بین مصرف‌کننده و تولیدکننده از نمودهای همسان‌شدگی است.

شگفت‌انگیزی: از نظر بندیکت فضای مجازی می‌آید تا «اغواکننده‌ترین مرحله اجرای واقعیت‌های اسطوره‌ای» و نخستین پایگاه داستان‌گویی نمادی باشد (بندیکت، ۱۹۹۱: a: ۶)؛ سحرآمیزی فضای مجازی از طریق نقض اصول حکمفرما بر تجربه‌های ما در «زندگی واقعی» روی می‌دهد (بندیکت، به نقل از بل، ۱۳۹۰: ۵۸)؛ کاربران سرپیچی از قوانین را دوست دارند؛ تجربه شگفت‌انگیزی در این فضا بدون صرف هزینه است و ریسک کم‌تری داد.

– مسائل تربیت دینی در فضای مجازی

در عصر حاضر تربیت دینی به‌عنوان یک رویکرد مبنای‌پذیر و بنیادگرا به تربیت، در رویارویی با آنچه بنیادگریز و تکثرپذیر است؛ یعنی فضای مجازی، دستخوش مسائل تازه‌ای می‌شود که پرداختن به آن اهمیت وافر دارد. مسائلی از قبیل: ۱. مرجعیت‌نهایی؛ با توجه به اینکه در فضای مجازی زبان جایگزین عقل می‌شود، نتایج این جایگزینی برای تعلیم و تربیت دینی متحول‌کننده است. اینکه زبان ماورایی وجود نداشته باشد که نقش مرجعیت را در موقعیت‌های کثرت اطلاعاتی برعهده بگیرد، در تقابل آشکار با بنیان دینی برای تربیت است. ۲. چالش ساخت‌زدایی برای تربیت دینی؛ این چالش به دلیل تغذیه فضای مجازی از سرچشمه پست‌مدرنیسم ایجاد می‌شود. فضای مجازی بستر ظهور ساخت‌زدایی است، زیرا «تجهیزات ارتباط بین‌فردی در اینترنت نسبت به پیوندهای محکم حالتی خنثی دارند یا به جای ارتقا آنها را تضعیف می‌کنند» (کارنت و پترسون، ۱۹۹۸: ۳۱). ۳. چندرسانه‌ای بودن فضای مجازی؛ فضای مجازی می‌تواند حاوی پیام‌هایی متفاوت از جنس‌های متفاوت باشد، مرزبندی در این فضا وجود ندارد، سرشار از هویت‌های سیالی است که به نوعی خلق‌الساعه‌اند؛ همان‌طور که شری ترکل می‌گوید: «ما در آستانه میان‌دنیای واقعی و دنیای مجازی زندگی می‌کنیم، از جای پای خود مطمئن نیستیم و همچنان که پیش می‌رویم خود را کشف می‌کنیم (ترکل، ۱۹۹۵: ۱۰)؛ این فضا با قدرت زیاد موازی با فضای واقعی در حال حرکت و

اثرگذاری بر زندگی انسان‌هاست. ۴. تغییر رهیافت‌ها برای تربیت دینی مطلوب؛ اطلاعات در فضای مجازی دائم در حال تعویض چهره و دگرگونی هستند و این ویژگی می‌تواند مانع استخراج اهداف تربیتی ثابت از آن فضا گردد؛ زیرا شالوده‌شکنی در این فضا قالب فرهنگی و بافت تربیتی را درهم می‌ریزد، آن را بازننگری می‌کند و به آن ماهیت سیال می‌دهد؛ اگر چه ویژگی در تحرک بودن برای تحقق تعلیم و تربیت مطلوب، مؤثر و محرک است، اما چندریختی بودن آن در فضای مجازی، تربیتی ناهمگون را منجر می‌شود. مسائلی از این قبیل، فضای مجازی را در بستر ایده فراگیر جهانی شدن به مجموعه‌ای از فرصت‌ها و محدودیت‌ها برای تربیت دینی تبدیل کرده است؛ در واقع تعامل اطلاعاتی در فضای مجازی تأثیرات جدی در نمود کلی تربیت در جامعه دارد.

– انسان‌شناسی دینی و آشنایی با محک‌ها و متشابهات

استفاده از این بحث در این پژوهش به منظور ایجاد نقطه اتکای تربیت دینی به یک نظرگاه متقن و مستخرج از بطن قرآن است که برای اثبات حضور اثربخش و کارآمد تربیت دینی در بستر سیال فضای مجازی لازم و ضروری است. بدین منظور، از تفسیر انسان به انسان استفاده شده است و از درون این بحث به مقوله محک‌ها و متشابهات قرآنی پرداخته شده است، زیرا به اعتبار این سخن که: «من رد متشابه القرآن إلى محکمه هدی الی صراط مستقیم» (شیخ صدوق، ۱۴۱۰: ۲۶۱)، همان‌طور که آیات متشابه به آیات محکم بازمی‌گردند، انسان تراز دینی نیز از طریق عرضه انسان متشابه به انسان محکم معرفی می‌شود. علامه جوادی آملی در کتاب تفسیر انسان به انسان بحث محک‌ها و متشابهات قرآنی را به انسان نیز تعمیم می‌دهد و می‌گوید: «انسان یا زنده است یا مرده (کافر)، انسان زنده یا خواب است یا بیدار، انسان بیدار یا بیمار است یا سالم، انسان سالم یا ناقص است یا کامل و انسان کامل یا کامل‌تر است یا کامل‌ترین» (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۲۵۸). از نظر ایشان در این تقسیم‌بندی همه انسان‌ها به جز دو قسم آخر انسان متشابهند؛ علمای عامل، انسان کاملند و انبیا و اولیا، انسان اکمل می‌باشند. بر این اساس انسان در انسان‌شناسی دینی، خویش را به قرآن (ارائه‌دهنده اوصاف انسان) و عترت (معرفی‌کننده انسان کامل) عرضه می‌کند؛ یعنی انسان متشابه خود را به انسان محکم عرضه می‌نماید و به میزان نزدیکی به «انسان کامل» به مسیر سعادت نزدیک می‌شود. معرفی انسان تراز یکی از راهکارهای اصلی برای خروج از موقعیت‌های متعارض تربیتی می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

برای تحقق تربیت دینی مطلوب در فضای مجازی، پذیرش و تسلط بر چند مهارت نظری ضروری است که عبارتند از: تشخیص محکمت و متشابهات در فضای مجازی و بایسته‌های فضای مجازی. در نهایت کارآمدی تربیت دینی مطلوب در فضای مجازی، از طریق ترسیم تناظر و تحلیل ویژگی‌ها نشان داده می‌شود.

الف. تشخیص محکمت و متشابهات در فضای مجازی

برای اینکه ارتباط امور محکم و متشابه با مؤلفه‌های فضای مجازی و نقش آنها در تشخیص و گزینش امور روشن شود، پیشبرد مبحث از خلال ویژگی چندبعدی بودن فضای مجازی و اهمیت عنصر آزادی در واقعیت حیات انسان صورت می‌گیرد. عاملی می‌گوید: «پارادایم دوفضایی شدن امری چندجانبه و مبهم است» (عاملی، ۱۳۹۶: ۱۹۰)؛ هرآنچه در ابعاد خود تکثر داشته باشد، محتاج معیار است و هرآنچه مبهم باشد، محتاج عناصر وضوح‌بخش. چندبعدی و مبهم بودن روند دوفضایی شدن، در حوزه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تجلی کرده است و پیچیدگی‌هایی به وجود آورده است که عبور از آن چه در زمان حاضر که دوره ظهور قارچ گونه جریانات فکری متنوع است، چه در آینده که مباحث مربوط به دوفضایی شدن توسعه و تکامل بیشتری خواهد یافت، محتاج عامل معیار و وضوح‌بخش است. باتوجه به آنچه درباب ماهیت تربیت دینی آمد، ادعای این پژوهش این است که «عقلانیت، معیار و معنویت، وضوح‌بخش پارادایم دوفضایی شدن در بعد نظر و عمل است». لذا اموری مانند آزادی، میل و نیاز که درحال حاضر در فضای مجازی به عنوان عامل تشخیص و گزینش اطلاعات عمل می‌کنند و حکم معیار را پیدا کرده‌اند، امور متشابهی‌اند که باید به محکمت مربوط به خود عرضه شوند و حکم اصلی خود را پیدا کنند تا کاربر فضای مجازی تصور نکند که قوانین این فضا متفاوت از قوانین جاری در حیات غیرمجازی است. اثبات این موضوع از طریق تحلیل معنا و کاربرد آزادی پیش برده می‌شود، زیرا آزادی برجسته‌تر از دیگر خواسته‌های انسان می‌باشد و مشرف بر تمام ویژگی‌های فضای مجازی است. ساده‌ترین مفهوم آزادی تعریف هابز است که آن را طلب بدون امیال و تمنیات می‌داند؛ او می‌گوید: «اراده آخرین میل در جریان تأمل و چاره‌جویی است» (هابز، ۱۳۸۰: ۱۱۲). در نقطه مقابل آن تعریف کانت قرار دارد که می‌گوید: عملی که انگیزاننده‌اش صرفاً میل محسوس است، آزاد

نیست؛ چراکه انسان‌ها می‌توانند برده تمایلات درونی خود باشند همان‌گونه که می‌توانند اسیر نیروهای خارجی باشند. در این نگاه آزادی عمل به معنای دقیقش، باید از عقل نشئت گرفته باشد، بدین معنا که تنها عمل عقلانی است که می‌تواند به درستی آزاد تلقی شود (کانت، ۱۳۸۶: ۲۰). تلقی کانت از آزادی درعین قاعده‌مندبودن به ارتباط میان عقل و گزینش امر خیر برای کسب سعادت نمی‌پردازد؛ اما در اندیشه اسلامی آزادی با حیات معقول نسبت معناداری دارد و با تفکیک واژگان رهایی، آزادی و اختیار، شکوفایی عقل را در صورت کاربست اختیار در اعمال ارادی انسان برای وصول به سعادت میسر می‌داند؛ علامه جعفری با دقت علمی این واژگان را تبیین می‌کند و می‌گوید: «رهایی برداشته‌شدن قید و زنجیر جسمانی، قراردادی یا روانی است؛ آزادی رها بودن از زنجیر به اضافه داشتن توانایی انتخاب براساس استقلال و احساس شخصیت است، اما تعیین‌کننده نیکی و بدی، عظمت و پستی، زشتی و زیبایی نیست؛ اختیار نظارت و سلطه شخصیت به دو قطب مثبت و منفی عمل برای بهره‌برداری از آزادی در راه وصول به خیر و رشد است. اختیار، کسب معقول به وسیله فعالیت عقلانی است» (جعفری، ۱۳۶۱: ۴۳). با این توضیح آزادی به‌عنوان اصلی‌ترین عامل گزینش در فضای مجازی، همان عامل وصول به سعادت و حیات طیبه می‌باشد، مشروط به اینکه تلقی درستی از آن وجود داشته باشد؛ یعنی نسبت آن با عقل به درستی تبیین شود. برای بررسی دقیق اینکه آزادی جزء تشابهات انسان است نه محکمت او، لازم است به علت وجود آزادی پرداخته شود. می‌توان برای آزادی دو منشأ عقلی و مهارتی در نظر گرفت. منشأ مهارتی همان توان گزینش امر مرجح است که ذاتی انسان است. البته از آنجا که مرجحات بر تأملات معقول متمرکز است، آن هم به عقل باز می‌گردد؛ زیرا حتی اگر ریشه مرجحات کشش‌های غریزی باشد، این عقل است که با سنجش متأملانه از میان انگیزه‌ها و محرک‌ها گزینش می‌کند؛ لذا علت وجود آزادی و اختیار همان عقل است. یکی از تجلیات آزادی در فضای مجازی این است که دسترسی به اطلاعات را برای همه میسر می‌کند و فراتر از آن، امکان مشارکت در تولید داده را برای تمام کاربران فراهم می‌کند و سطوحی از دموکراسی را فراهم می‌کند که لزوماً مقبول و موجه نیست. گرام این نوع آزادی را افسارگسیختگی می‌داند و می‌گوید: «اینترنت به‌عنوان هرج و مرج مبتنی بر دو فرض است: ۱. اینترنت جریان نامحدود اطلاعات است و دانایی توانایی است؛ ۲. آزادی جزئی از تمنیات ذاتی است که انسان همواره در جستجوی بی‌امان آن بوده است. تنها با این دو فرض است که می‌توان گفت توانایی و بنوردی با هیچ چیز دیگری جز تمایل

شخصی انسان‌ها به سوی آزادی یا افسارگسیختگی قابل تبیین نیست» (گرام، ۱۳۹۳: ۱۲۰ و ۱۲۱). بنابراین، آزادی موجود در فضای مجازی با تغییر صورت‌دادن به اختیار که در آن درجات عمیق‌تری از عقل‌ورزی وجود دارد، مصداق بارزی از رجوع متشابهات به محکّمات است.

ب. بایسته‌های فضای مجازی

با اینکه نگاه همه‌جانبه به عرصه فضای مجازی بایسته‌های بسیاری می‌تواند برای آن تعیین کند؛ اما توجه ویژه به مسئله تربیت دینی باعث شده است که به دو مطلب مهم در این بخش پرداخته شود.

- درک خدای همه‌جا حاضر

فضای مجازی جزء جهان امکان است و فضایی خارج از حیطه قدرت، علم و اراده الهی نیست، بلکه جزئی از هستی است که تا حدودی رمزگشایی شده است؛ لذا به همان شکل که در فضای غیرمجازی حضور خدا انسان را مکلف می‌کند در فضای مجازی هم تکلیف از انسان ساقط نمی‌شود. باور به حضور همه‌جایی خدا امری فراتر از چارچوب‌های دینی است که با پذیرش عقلانیت و معنویت به شکل طبیعی پذیرفته می‌شود و اینکه قائل به دین خاصی باشیم یا نه، مسئله ثانوی است. برایان آرتور از رابرت پیرسیگ نقل می‌کند که «بودا، پروردگار به همان اندازه که در ستیغ کوه‌ها یا برگ‌های گل جا دارد، در مدارهای یک رایانه دیجیتال یا دنده‌های یک چرخ نیز آرام جا گرفته است» (آرتور، ۱۳۹۴: ۲۶۹). تأکید مؤلف در این پژوهش بر این بوده است که تربیت دینی ادراک «حضور همه‌جایی خدا» را سهل می‌کند و برداشتی منطقی و منسجم، مطابق با هستی‌شناسی انسان ارائه می‌دهد. با نگاه هستی‌شناسانه حتی به شکل دقیق‌تری می‌توان ظهور متافیزیکی نوین را تفسیر کرد. درخصوص آینده متافیزیکی جهان، گرام معتقد است: «آینده فضای سایبری بدایع و نوآوری‌های متافیزیکی به همراه خواهد داشت» (گرام، ۱۳۹۳: ۲۱۲). همچنین هایم می‌گوید: «فضای سایبر به همراه محیط‌های مجازی و جهان‌های وانموده‌اش، آزمایشگاهی متافیزیکی و ابزاری برای آزمودن معنای ما از واقعیت است» (هایم، ۱۳۹۰: ۱۵۵). با اینکه این رویکرد پیش‌بینی‌های جالبی برای آینده جهان دارد، اما در کنار این برداشت مهم که مفاهیم متافیزیکی از بین نمی‌روند، بلکه انسان در ورود به آنها تغییر موضع می‌دهد، باز هم نارسایی بنیادی وجود دارد به این معنا که از پیش فرض موضع مقابل غفلت شده است و آن این است که «رد متافیزیکی مساوی با رد خداست». فلوریدی با تعبیر «کشتن خدا» از آن نام می‌برد و آن را جنایت

متافیزیکی فلسفه معاصر می‌داند (Floridi, 2003: 461). در جهان معاصر انسان از توحید ربوبی غفلت و توحید افعالی را انکار می‌کند؛ اگرچه منکرین متافیزیک قائل به این بودند که مفاهیم متافیزیکی عیناً همان مفاهیم دینی نیستند، اما از انکار متافیزیک به معنای دقیق کلمه رد و حذف خدا مدنظر بود. زیرا مفاهیم متافیزیکی دیگر مثل جوهر و حرکت و زمان و مانند آن صرفاً تغییر نام دادند و زاویه نگریستن به آنها تغییر کرد و به لحاظ وجودی نفی نشدند، اما این مفهوم خدا بود که وجودا نفی شد. به عبارت دیگر، معرفت انسانی که زندگی شبکه‌ای را مدیریت می‌کند، مخالف بنیادگرایی است؛ منطق شبکه‌سازی، شبکه و نهاد را در مقابل هم قرار می‌دهد. دینداری و خدا نوعی بنیادند که می‌باید در تقابل با زیست شبکه‌ای کنار روند. بنابراین، لازم است در هر مواجهه‌ای با فضای مجازی و غیرمجازی که ساختمان معرفتی انسان را شکل می‌دهد؛ اولاً باور قلبی - نه صرفاً باور نظری - به گزاره «حضور همه‌جایی خدا» وجود داشته باشد؛ ثانیاً ظرفیت نهادی و شبکه‌ای دین، به درستی تبیین شود. این یک تلاش معرفتی است که انسان معاصر باید انجام دهد نه تلاش وجودی؛ چون معرفت در اختیار ما و وجود خارج از اختیار ما است.

- اخلاق نظارتی در فضای اطلاعاتی

فهم کامل عقلانیت و معنویت حکم به وجود اخلاق نظارتی می‌کند. این حکم در تمام زمان‌ها و مکان‌ها جاری است و فضای اطلاعاتی مستثنا از آن نیست. اخلاق نظارتی در این فضا را در دو سطح می‌توان مطرح کرد: ۱. سطح عینی و محسوس ۲. سطح متافیزیکی. در سطح عینی که قابل فهم و درک توسط عموم مخاطبان است، در یک بستر وسیع اما غیرعمیق نظارت نه صرفاً از نوع قانونی و اجباری، بلکه از نوعی که متکی به وجدان فردی یا آداب اجتماعی است، صورت می‌گیرد. در واقع، اخلاق نظارتی در این سطح، حاکی از درک و فهم متعارف انسانی در بعد فردی و اجتماعی است که به معیشت انسان نظم می‌دهد و برخوردار از درجاتی از عقل معاش است؛ اما توجه متمرکز به عقل معاد و نقشی که به عنوان پشتوانه نظری برای عقل معاش دارد، نمی‌کند؛ هرچند به این معنا نیست که در ضدیت با آن است؛ بلکه برخوردار از یک سطح عینی، محسوس و ظاهری از واقعیت چندبعدی هستی است. سطح متافیزیکی سطح عینی را دربر دارد و مرتبه‌ای بالاتر از آن است. در این سطح به طور جد به اخلاق فردی و اجتماعی توجه می‌شود؛ با این رویکرد که تمام مبادی و مبانی اخلاقی منبعث از منبعی هستند که آن منبع انسان را درحقیقت کاملش در نظر می‌گیرد و سعادت‌مندی را در نظر به جایگاه او در کل هستی تعریف می‌کند. اخلاق نظارتی در

فضای اطلاعاتی با توجه به این رویکرد، چند شاخصه مهم و متمایز دارد: ۱. مختص به تمام زمان‌ها و مکان‌هاست؛ ۲. مخاطب آن انسانی است که قابلیت عروج به اعلیٰ علین و سقوط به اسفل السافلین دارد؛ ۳. بر این فرض مهم و بنیادی استوار است که انسان قابلیت ارتقای روانی و تجلی در سطوح مختلف را دارد و زیست در فضای مجازی یک جلوه از انواع جلوات وجودی انسان است و مسحوریت نسبت به آن صرفاً به جهت اکتشاف تازه آن است، نه خلق یک عالم جدید. بر این اساس، نظارت در هر دو سطح عینی و متافیزیکی باید در فضاها و اطلاعاتی وجود داشته باشد، اما با رویکرد اخلاقی و نه صرفاً رویکرد قانونی. رویکرد اخلاقی موجب تعالی مفهوم نظارت می‌شود و توجیه آن از طریق مبنای هستی‌شناسانه است؛ یعنی انسان به‌عنوان موجودی در دایره هستی و مخلوق هدف‌مند خالق، نمی‌تواند بدون درک مقوله نظارت زیست نماید. فلوریدی نیز از اخلاق نظارتی بحث می‌کند و معتقد است که رویکرد به فلسفه اطلاعات اگر از چشم‌انداز تفسیری یا آستانه‌ای ملاحظه شود، به معنای پذیرش یک دیدگاه متافیزیکی است، اما به نظر می‌رسد دیدگاه او بیشتر ناظر به سطح عینی از اخلاق‌ورزی است تا سطح متافیزیکی به معنایی که آمد؛ زیرا می‌گوید: «اخلاق اطلاعاتی، تکامل اخلاقیات محیطی است و اصل اساسی آن این است که چیزی وجود دارد که مهم‌تر از حیات است و آن فهمیده شدن از نظر اطلاعاتی است» (فلوریدی، به نقل از عاملی، ۱۳۹۶: ۸۵).

ج. ترسیم تناظر و تحلیل مفاهیم در فضای مجازی و تربیت دینی

در این قسمت از پژوهش به چگونگی امکان هم‌افزایی میان یک مفهوم بنیادی یعنی تربیت دینی در یک بستر نوظهور یعنی فضای مجازی پرداخته می‌شود. این امکان براساس ویژگی‌های فضای مجازی و ماهیت تربیت دینی با دو رویکرد «ترسیم تناظر» و «تحلیل آن» مورد بررسی قرار می‌گیرد:

– متن محوری

توجه به ویژگی متن محوری در فضای مجازی نشان می‌دهد میان متون در دو فضای مجازی و دینی می‌توان تناظری برقرار کرد به این صورت که: در فضای مجازی واحد انتقال معنا، متن است؛ محتوای متن به انجام عمل متناسب با متن منجر می‌شود؛ متون باز و غیر محدودند؛ در مواجهه با متن فرصت تأمل برای کاربر وجود دارد تا واکنش مناسب نسبت به متن بروز دهد؛ هر کس با هر اندازه دانش در حال تولید متن است؛ متن‌ها در فضای مجازی به صورت منفعل هستند و تابع رویه‌ها

می‌باشند. در تربیت دینی متون دینی یکی از منابع برای انتقال معناست^۱؛ محتوای متن به انجام عمل متناسب با متن منجر می‌شود، یعنی بینش دریافت‌شده از بخش نظری تربیت، در عمل نمود می‌یابد؛ همچنین جواز احتجاج در معارف دینی، حاکی از عدم جزم‌گرایی دینی و به یک معنا بازبودن متون است؛ اما از آنجا که تربیت دینی، امری تدریجی و غیرعجولانه است، تأمل در بعد نظری و عملی تربیت واجب است به همین دلیل پیامبر(ص) می‌فرماید: «إِذَا عَمِلْتَ عَمَلًا فَأَعْمَلْ بِعِلْمٍ وَ عَقْلٍ وَ إِيَّاكَ وَ أَنْ تَعْمَلَ عَمَلًا بِغَيْرِ تَدْبِيرٍ وَ عِلْمٍ» هر کاری که می‌خواهی انجام دهی، با دانش و خرد انجام بده و مبادا کاری را بدون تدبیر و دانش انجام دهی (مجلسی، ۱۳۸۶: ۱۱۰) لذا فرصت تأمل در مواجهه با متن، موجود و بلکه ضروری است. اما برخلاف رویه غالب در فضای مجازی، در تربیت دینی لازم است متعلم در جایی که دانش کافی ندارد، سکوت کند و در پی یادگیری باشد؛ در تربیت دینی متن سخن می‌گوید و به جای تبعیت از رویه‌ها، درستی خود را از سه روش شناخت یعنی «برهان، شهود و سنت» اثبات می‌کند (نک: جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۶۰).

پس از ترسیم نحوه رویارویی دو مقوله فوق در موضوع متن‌محوری، به تحلیل آن پرداخته می‌شود. باتوجه به جمیع خصایص مثنون وب که عبارتند از: برخورداری از ویژگی بینامتنیت، غیرخطی بودن، محو تمایز خواننده و نویسنده، چندرسانه‌ای، جهانی، گذرا، ریزوماتیک، غیرخطی، افقی، سیال، شکننده، دارای حرکت خودجوش و ملکولی و مخالفت با ساختارهای عمیق، می‌توان گفت انسان در جایگاه متری سه نوع مواجهه با متن دارد که هر کدام با طرح یک پرسش همراه است:

۱. متن‌گزینی: پرداختن به اینکه گزینش کار چه کسی است، کاربر یا رویه‌ها؟
۲. فهم متن: کاربر چگونه متن را می‌فهمد؟ براساس دانش و دریافت خود یا آن‌گونه که متن توسط سازنده، ساخته شده است برای فهمیدن به گونه خاص؟
۳. بازنمایی متن: بازنمایی حاکی از چیست؟ کاربر آن‌گونه که متن را می‌فهمد آن را بازنمایی می‌کند. لذا این مرحله وابسته به مرحله قبل است.

در طی این مراحل چند عملکرد خوداندیشی، بررسی، دلیل‌سازی، تصمیم‌گیری و انتخاب جریان دارند، اما باید دید که این امور، افعال آگاهانه کاربر هستند یا ناآگاهانه و میزان اختیار و

۱. منظور از متون دینی آن چیزی است که سنت نامیده می‌شود؛ یعنی اقوال، افعال و تقریرات معصومین علیهم‌السلام.

توجه کاربر در این فرایند چقدر است؟ «گزینش»، «فهم» و «بازنمایی» وابسته به وجود یا عدم دو عامل «معیار» و «وضوح بخش» است که اگر این عوامل وجود داشته باشند: عمل گزینش را کاربر انجام می‌دهد، فهم متن توسط کاربر صورت می‌گیرد و بازنمایی حاکی از واقعیت خواهد بود؛ اگر دو عامل مذکور وجود نداشته باشند: رویه‌ها گزینش خواهند کرد، خالق متن با جعل محتوا و استفاده از عوامل روانی، مدیریت فهم خواننده را برعهده خواهد گرفت و بازنمایی غیرواقعی خواهد شد. تربیت دینی قدرت ژرف‌نگری به کاربر می‌دهد که از طریق آن می‌تواند به جای رویه‌ها، خود فرد عمل گزینش، فهم و بازنمایی را انجام دهد. لازم است در این قسمت به این مسئله مهم پرداخته شود که به چند دلیل اساسی در فضای مجازی به رویه‌ها اعتمادی نیست؛ آن دلایل عبارتند از اینکه رویه‌ها در پی اغراض خاص هستند که آن اغراض برای عموم کاربران علنی نیست؛ رویه‌ها عموماً قدرتمندند و از زبان، امکانات نوشتاری و ویژگی‌های روانی افراد برای القای اهداف خود بهره می‌برند؛ رویه‌ها می‌توانند حس گزینش را در کاربر برانگیزانند و به گونه‌ای ماهرانه القا کنند که این کاربر است که عمل گزینش را انجام می‌دهد، درحالی که چنین نیست؛ رویه‌ها لزوماً از ساختار منطقی قضایا پیروی نمی‌کنند؛ رویه‌ها قادرند از مقدمات درست نتایج غیرمنطقی بگیرند و از نتایج درست به سمت مقدمات غیرواقعی حرکت کنند؛ آنچه سفسطه یا مغالطه نامیده می‌شود؛ رویه‌ها لزوماً از مبانی عقلی تبعیت نمی‌کنند. آنچه رویه‌ها را می‌سازد ترکیبی از عقل، وهم، ظن و گمان است و این یک ترکیب مشوب است که امر را مشتبّه ساخته و عمل تشخیص را برای کاربر به‌غایت دشوار می‌کند؛ کاربران معمولی فضای مجازی کسانی‌اند که پیش از اینکه با متن مواجه شوند، در دام «سرعت»، عدم دقت و سطحی‌نگری گرفتار شدند. آنها فرصت ژرف‌نگری ندارند و ضرورت آن را احساس نمی‌کنند. تربیت دینی با برخورداری از دو عنصر عقلانیت و معنویت به‌عنوان رویه عمل نمی‌کند، بلکه یک نگرش ژرف در اختیار متری قرار می‌دهد تا مواجهه معقول با متن داشته باشد.

لذا در تبیین راهکار برای مواجهه با متن محوری در فضای مجازی و تربیت دینی باید به دو موضوع پرداخت: ۱. باید هدف تربیت را شناخت و متنی را گزینش، فهم و بازنمایی کرد که در راستای هدف باشد. در تربیت دینی بر «عقلانیت» به‌عنوان «معیار» و «معنویت» به‌عنوان عامل «وضوح بخش» تأکید می‌شود و متعلم باید دارای این دو توانمندی باشد تا روند تربیت به‌صورت فعالانه روی دهد نه منفعلانه. این دو عامل مانع پیش روی بیش‌ازحد رویه‌ها می‌شوند حتی اگر آن

رویه خود دین باشد. این مطلب را می‌توان از آیه «فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا»: سپس فجور و تقوا را به او الهام کرده است (شمس/۸)، به‌دست آورد؛ زیرا در این آیه به‌صراحت امکان‌پذیری برای انسان مفروض گرفته شده است و حاکی از این است که اجبار و تحمیل در فرایند دین‌داری افراد وجود ندارد، بلکه هر فرد براساس میزان عقلانیت و معنویت خود دست به‌گزینش می‌زند. ۲. استفاده از قابلیت‌های فضای مجازی برای اهداف دینی از طریق تولید و نشر معقول و مستند محتوای دینی. این امکان قابل حصول است، زیرا بر خلاف آنچه ظاهر امر نشان می‌دهد مخالفت با ساختارهای عمیق، تهدید متن‌محوری برای تربیت دینی نیست؛ زیرا این تهدید، برخاسته از ذات فضای مجازی نیست، بلکه غلبه رویه‌ها این ویژگی را به آن الحاق کرده است. متن‌محوری موجود در فضای مجازی در ماهیت خود ناسازگاری با ساختارهای عمیق ندارد و امکان توسعه مفاهیم دینی در این بستر وجود دارد.

- زیست شبکه‌ای

در بیان تناظر ویژگی شبکه‌ای بودن زیست در فضای مجازی و مواجهه آن با تربیت دینی باید به این مطالب پرداخت که در فضای مجازی، کاربر اختیار نامحدود برای تعریف، ساخت، بازنمایی و التزام به شخصیت و هویت خود دارد. منطق شبکه، منطق خاموش - روشن است؛ یعنی یا انسان در شبکه زیست می‌کند و تابع منطق حاکم بر آن است و یا بیرون از شبکه است و فارغ از آن؛ در این فضا درعین زیست شبکه‌ای، نوعی خودمحوری حاکم است. در تربیت دینی نیز اختیار و آزادی عمل برای انتخاب متعلم وجود دارد؛ زیرا مسیر فجور و تقوا مشخص شده است. تربیت دینی به منطق شبکه توجه دارد، اما محدود به آن نیست و به بیرون از شبکه نیز فراروی می‌کند. تربیت دینی به هویت فردی انسان بدون غفلت از ماهیت اجتماعی او توجه می‌کند. زیست در شبکه فرصت‌هایی برای تعامل اجتماعی ایجاد می‌کند و ارضاکنده تمایل به زندگی جمعی است. در دین اسلام نیز به زندگی با جماعت سفارش شده است؛ آنچنان که از آیه ذیل می‌توان برداشت کرد: «واعتصموا بحبلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» و همگی به ریسمان خدا چنگ زیند و پراکنده نشوید (آل عمران/۱۰۳). طبق این آیه تکروری و غفلت از ماهیت جمعی زندگی نفی شده است و بر جمع‌گرایی در سایه کلمه توحید تأکید شده است.

در تحلیل این تناظر باید به این مسئله اشاره کرد که از آنجا که زیست در شبکه صرفاً امتداد حیات انسان و جلوه‌ای تازه از زندگی رو به تکامل بشر است، انسان در مواجهه با این نحوه زیستن،

عناصر ذاتی و ماهوی خود را در تغیر و تحول نمی‌بیند، زیرا فطرت انسانی از کلمات ثابت الهی‌اند، در کلمات ثابت دگرگونی راه ندارد «لا تبدیل لکلمات الله» سخنان خدا را تغیر و تبدیلی نیست (یونس/۶۴). خدا انسان را با فطرت توحیدی آفریده است و این آفرینش مطلقاً ثابت است و دگرگون نمی‌شود. آن تغیری که ممکن است روی دهد، درواقع تحریف و تفسیر به رأی است که حاصل برهم‌خوردن نظم هویتی فرد در حالت افراطی زندگی شبکه‌ای است. علامه جوادی آملی تغیرات هویتی را با تعبیر مغالطه هویتی طرح کرده‌اند و می‌گویند: «این تغیر به معنای تعویض فطرت بشر نیست، چون این تغیر، شدنی نیست، اما تغیر به معنای تضعیف و تحریف و تفسیر به رأی، شدنی است و انجام شده است» (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۳۵۷). براین اساس تربیت دینی نگاه جامعی به ساحت‌های وجودی انسان دارد و هم به اهداف، اصول، مبانی و روش‌هایی که وجه بیرونی (آفاقی) حیات انسان را مقبول می‌کند، توجه دارد، هم به خودسازی و تکامل درونی (انفسی) فرد کمک می‌کند. لذا از آنجاکه زیست در شبکه نباید فرصت خودسازی، خوداندیشی و تفکر انفسی را از ما بگیرد، راهکار متعادل کردن بعد فردی و اجتماعی زندگی با توجه به زیست شبکه‌ای این است که: ۱. استفاده از فضای مجازی زمان‌مند و مکان‌مند شود، ۲. در طول روز فرصتی برای خلوت با خود اختصاص یابد، ۳. توجه به عالم آفاق و انفس برای تقویت نظارت درونی وجود داشته باشد.

توده‌محوری

یکی از نمودهای ویژگی توده‌محوری در فضای مجازی دسترسی بدون محدودیت به اطلاعات برای همه سطوح کاربران است، درحالی‌که در تربیت دینی دسته‌بندی اطلاعات برای سطوح مختلف متعلمان مدنظر است و این موجب غنای آن می‌گردد. علامه جوادی آملی درباره دسته‌بندی مطالب برای یادگیرندگان می‌گوید: «برای مبتدیان مطالب بین‌الرشد، برای اواسط مطالب میانی و برای آنانکه به عقل کامل رسیده‌اند، همه مطالب آزاد است» (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۳۱). فضای مجازی فاقد سیستم نظارتی است، اما نظارت در شبکه تربیت دینی از دو طریق «درک خدای همه‌جا حاضر» و نظارت درونی با دو عامل «عقلانیت و معنویت» صورت می‌گیرد. کاربر در فضای مجازی درواقع منفعل است اما تصور می‌کند فعال و آزاد است؛ درحالی‌که حضور عناصر دینی در فضای مجازی این قدرت را به کاربر می‌دهد که از طریق به‌کارگیری عقل، تمایز حضور فعال و منفعل را درک کند. در فضای مجازی نیاز به تخصص در درک و شناخت وجود ندارد، اما

تربیت مبتنی بر دین افراد را ترغیب می‌کند به یادگیری و تخصص‌یافتن در امور و سکوت در صورت فقدان تخصص، از سخنان لغو و بیهوده برحذر می‌دارد و به مجالست با علما ترغیب می‌کند. رسول خدا(ص) درباره اهمیت وقت و کیفیت سپری کردن آن می‌فرماید: «هیچ مؤمنی لحظه‌ای نزد عالم ننشسته است، مگر اینکه خدایش به وی ندا کند: در کنار دوست من نشستی» (شیخ صدوق، ۱۳۶۲: ۳۷). در فضای مجازی عموماً گفتگوها تهی هستند و اطلاعات فاقد عمق است و منجر به اتلاف وقت می‌شود، اما در تربیت دینی چون مواد و منابع آموزشی متکی به مبنا هستند، عمق دارند. همچنین ارزش انسان به میزان بهره‌برداری از عمر است و تضييع وقت جایز نیست.

در تحلیل این تناظر باید گفت از آنجاکه فضای مجازی نیازمند هدایت و کنترل درونی و بیرونی است، تربیت دینی بیش از هر چیز نظارت درونی را تقویت می‌کند تا در محیط غیریکپارچه مجازی، الزامات درونی که توسط عقلانیت و معنویت هدایت می‌شوند، عمل تشخیص را برعهده بگیرند. توده‌محوری فضای مجازی در عین اینکه امکان فعالیت همه سطوح جامعه در همه مسائل را فراهم می‌کند و این به خودی خود نوعی رشد در لایه سطحی جامعه به حساب می‌آید، اما به دلیل ماهیت آن، گزینش درست از نادرست را به عهده ظن و گمان می‌نهد، نه عقل سلیم و این ریشه اغلب مشکلات ایجادشده به علت وجود ویژگی توده‌محوری است. تربیت دینی با تأکید بر عقلانیت راه را بر درک و گزینش غیر مستدل و مستند می‌بندد. در واقع، مجهز شدن به عقلانیت برای کاربر فضای مجازی و درک هدف‌دار بودن زندگی که در سایه ترکیب عقلانیت و معنویت حاصل می‌شود، راه عبور از چالش‌هایی است که ویژگی توده‌محوری در فضای مجازی به همراه دارد. لذا کاربر باید در مقام نظر به خودشناسی رسیده و نسبت به ارزش و جایگاه خود واقف باشد تا در محیط متکثر مجازی بتواند آرمان خویش را دنبال کند. حتی اگر در سطح بالایی از درک نسبت به ارزش انسانی خود نیست، دست کم می‌تواند به جای تبعیت کورکورانه، به همبستگی انسانی تن دهد، در مقام عمل نیز از انتشار متون بدون سند اجتناب کند، در اموری فعالیت کند که در حیطه تخصص اوست، استفاده از فضای مجازی را مدیریت کند و از طریق پرورش روحیه خلاقیت، روحیه مصرف‌گرایی را کاهش دهد.

– مرزشکنی و همسان‌شدگی

در فضای مجازی و تربیت دینی تفاوت‌ها و سلسله‌مراتب از بین می‌روند و برابری در مقام

انسانیت مورد توجه است، اما با دو رویکرد متفاوت. به این معنا که محو تفاوت‌ها در فضای مجازی به صورت از بین رفتن تقسیم امور به حقیقی و غیرحقیقی و محو نشانه‌های حق و باطل، محو تفاوت‌های جنسیتی، تفاوت انسان - ماشین و انسان - حیوان نمود می‌یابد، اما تقسیم امور به حق و باطل از ارکان ایدئولوژی دینی است. همچنین تشکیکی بودن شناخت و سطوح متفاوت یادگیرندگان مورد پذیرش است. صدور جواز آشنایی با اقوال مختلف به استناد آیه «فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ» پس به بندگانه مژده ده؛ آنان که سخن را می‌شنوند و از بهترینش پیروی می‌کنند، اینانند کسانی که خدا هدایتشان کرده، و اینان همان خردمندانند (زمر/ ۱۷ و ۱۸)، نشان از عدم جزمیت دینی و تأیید امکان آشنایی با اندیشه‌های فرامرزی است. در تربیت دینی تفاوت جنسیتی مورد قبول و تبعیض نژادی و جنسیتی مردود است. علاوه بر این چون عقل‌ورزی و معناجویی، ممیزه انسان است، انسان با حیوان و جماد حتی در مرتبه هستی‌شناختی برابر نخواهد بود. از تبعات همسان‌شدگی در فضای مجازی این است که سطح بر عمق غلبه می‌کند و در تربیت دینی سطح بر عمق اتکا می‌کند و تا آنجا که همسان‌شدگی دلالت بر شرایط برابر در برخورداری از امکانات مادی و معنوی دارد، بر آن تأکید می‌شود، اما عدالت دینی هرگز به معنای تساوی نیست. تربیت دینی دو مطلب مهم را به عنوان اصل می‌پذیرد: ۱. تقسیم امور به عقلانی و وهمانی یا حق و باطل، ۲. مرتبه والای هستی‌شناختی انسان؛ یعنی انسان به جهت برخورداری از عقل هرگز با حیوان که نوع سافل است یا ماشین که مخلوق موجود ممکن است، در مرتبه قیاس قرار نمی‌گیرد. با توجه به این دو مطلب در مواردی مانند احکام جنسیتی، وجود مرز ضروری است و در مواردی مانند برتری جنسیتی حذف آن ضروری است. با این حال مرزها وجود داشته باشند یا از بین بروند، آنچه در تربیت دینی مورد تأکید است، رسیدن به سعادت در سایه توجه به امکانات وجودی و معرفتی انسان است. بر این اساس در موضوع مرزکنی توجه به موارد زیر ضروری است: ۱. وضوح مفاهیم تربیتی برای متعلمین در فضای مجازی که امتداد یافته فضای واقعی است؛ ۲. تفکیک حق و باطل در دو مرتبه کلی (شناختی) و جزئی (رفتاری)؛ ۳. ارائه تصویر دقیقی از مرزهایی که توسط تربیت دینی، باید برداشته، ایجاد یا تقویت شوند، ۴. اهتمام به اتکای امور سطحی به امور مبنایی از طریق پرداختن به مبانی، اصول و روش‌های تربیتی.

– کشف ناشناخته‌ها

سحرآمیزی، شگفت‌انگیزی و نقض اصول حاکم بر زندگی از مصادیق میل به تجربه امور ناشناخته در فضای مجازی می‌باشد. در تربیت دینی نمودهایی از تجارب جدید برای متربی وجود دارد که به ایجاد جذابیت معنوی منجر می‌شود، مانند ترکیب تربیت دینی با کشف و شهود عرفانی، اما ترکیب عقل معاد و عقل معاش در تربیت دینی مانع نقض اصول حاکم بر زندگی می‌شود. در فضای مجازی گرداننده شخصیت‌های متنوع خود کاربران هستند و التزامی به داشتن هویت واحد وجود ندارد، اما در آموزه‌های تربیتی افراد به گزینش شخصیت واحد با قابلیت تکاملی نامحدود سوق داده می‌شوند. در تحلیل این تناظر باید به این مطلب اشاره کرد که تمایل انسان به امور جالب و محرک قابل انکار نیست، اما این میل قابل کنترل و هدایت است. اگرچه در فضای مجازی این میل با تنوع صوری و محتوایی همچنین هنجارشکنی درباب سنت‌ها ارضا می‌شود، اما در صورتی که تربیت دینی در بستر فضای مجازی ورود پیدا کند، این تمایل از دو طریق، جهت مطلوب پیدا می‌کند: نخست عرضه تمایلات به معیار عقلانیت و معنویت و سپس گزینش از میان آنها؛ دوم ارائه جایگزین مناسب برای تمایلات نامعقول. لذا ۱. هدایت و کنترل درباب ارضای میل به ناشناخته‌ها ضروری است؛ ۲. شگفت‌انگیزی به‌تنهایی دلیل کافی برای پرداختن به هیچ امری نیست. چه‌بسا امری هستند که پرداختن به آنها نهی شده است، مانند وادی سحر و علوم جفر. حضرت امیرالمؤمنین (ع) در خطبه ۱۹۳ می‌فرماید: «و وقفوا أسمعهم علی العلم النافع»: متقیان کسانی‌اند که گوش‌های خود را تنها به دانش سودمند سپرده‌اند (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۹: ۴۰۳). از این سخن برمی‌آید که پرداختن به هر امری نیازمند توجیه منطقی است و قلمرو حواس و خیال هم مانند حضور در قلمرو خارجی به مراقبت نیاز دارد؛ ۳. مهم‌تر از میل به کشف ناشناخته‌ها و امور هیجانی، «سلامت ساحت‌های وجودی انسان» است که از طریق قرارگرفتن در چارچوب دین ناب میسر می‌شود؛ ۴. ادراکات عرفانی و شهودی می‌توانند میل انسان به درک لذایذ غیرمادی را پاسخ دهند و تربیت دینی را از احتمال مبتلاشدن به یکنواختی برهانند.

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاکی از این است که بدون پرداختن به امور نظری که حکم مبنا را دارند، نمی‌توان با مسائل کاربردی تربیت در بسترهای جدید آن مانند فضای مجازی به‌درستی مواجه شد.

اموری از قبیل تبیین ماهیت تربیت دینی، ماهیت فضای مجازی و تبیین مسائل تربیتی در تعامل با فضای مجازی از این دست می‌باشند. از آنجاکه انسان‌شناسی دینی بستر مباحث تربیت دینی است، در این پژوهش به‌عنوان مبنای نظری در نظر گرفته شده است تا تفاوت بنیادی دو نگرش مأخوذ از اومانیزم در دوره مدرن و اندیشه دینی به‌روشنی تبیین شود و با تکیه بر مقوله خدا‌باوری توحیدی به لوازم و نتایج این نگرش پرداخته شود. بدین منظور، باید توجه فعالان حوزه تربیتی را به برخورداری از چند مهارت نظری جلب کرد: نخست آشنایی، تشخیص و به‌کارگیری قاعده رجوع متشابهات به محک‌مات که برای مواجهه سالم با محتوای فضای مجازی بسیار راهگشاست. دیگر اینکه فضای مجازی بایسته‌هایی دارد که مهم‌ترین آن درک خدای همه‌جا حاضر و رعایت اخلاق نظارتی در فضای اطلاعاتی است. توجه به این بایسته‌ها در حوزه روش‌شناسی جریان تربیتی راهگشا می‌باشد و به‌ابتدای فرایند تربیتی بر مبنای نظام معیار اسلامی یاری می‌رساند. نشان دادن تناظر مفاهیم در فضای مجازی و تربیت دینی و تحلیل آن، بخش دیگری از تلاش محقق برای اثبات امکان تربیت دینی در فضای مجازی است که براساس چند ویژگی متن‌محوری، زیست شبکه‌ای، توده‌محوری، مرز شکنی و همسان‌شدگی و کشف ناشناخته‌ها انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد ورود تربیت دینی به بستر فضای مجازی کارآمدی اثربخش دارد و می‌تواند با عرضه دو عنصر «عقلانیت» به‌عنوان معیار و «معنویت» به‌عنوان وضوح‌بخش ابعاد عملی تربیت، پاسخگوی موقعیت‌های متعارض تربیتی باشد. پیشنهاد می‌شود در راستای تشخیص صحیح رفتارهای تربیتی برای کاربران فضای مجازی در جامعه اسلامی، در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و مهم‌تر از همه فرهنگی، پژوهش‌های مستقلی صورت گیرد و با در نظر گرفتن چالش‌نسبت‌گرایی و تکثر موجود در این فضا، فرصت‌های جدید تربیتی استخراج شده و با برنامه‌ریزی دقیق در اختیار کاربران قرار گیرد.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۹۶)، ترجمه محمدرضا صفوی (ترجمه براساس تفسیر المیزان)، قم: آبنوس.
- نهج‌البلاغه (۱۳۸۹)، ترجمه محمد دشتی، قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین.
- آرتور، برایان (۱۳۹۴)، سرشت فناوری، ترجمه محمدابراهیم محجوب، تهران: نی.
- آمدی، عبدالرحمان (۱۳۴۰)، غررالحکم و دررالکلم، جلد دوم، تهران: دانشگاه تهران.

بل، دیوید (۱۳۸۹)، در آمدی بر فرهنگ‌های سایبر، ترجمه مسعود کوثری و حسین حسینی، تهران: جامعه‌شناسان.
 بل، دیوید (۱۳۹۰)، نظریه پردازان فرهنگ سایبری، مانوئل کاستلز و دانا هاراوی، ترجمه مهدی شفیعیان، تهران: دانشگاه امام صادق.

جرج، سوزان (۱۳۹۰)، دین و تکنولوژی در قرن ۲۱، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

جعفری، محمدتقی (۱۳۶۱)، حیات معقول، تهران: بنیاد انتقال به تعلیم و تربیت اسلامی.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲)، تفسیر انسان به انسان، قم: اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، صورت و سیرت انسان در قرآن، قم: اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰)، نظری بر مبانی علم دینی، قم: آثار دانشوران.

رشیدیان، عبدالکریم (۱۳۹۳)، فرهنگ پست مدرن، تهران: نی.

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰)

صدوق، محمدبن علی بابویه قمی (۱۳۶۲)، الامالی، ترجمه کمره‌ای، تهران: کتابخانه اسلامی.

صدوق، محمدبن علی بابویه قمی (۱۴۱۰)، عیون اخبار الرضا، قم: الشریف الرضی.

عاملی، سعیدرضا (۱۳۹۶)، فلسفه فضای مجازی، تهران: امیرکبیر.

عباسی، محمدتقی (۱۳۹۱)، دین در فضای مجازی، مطالعه جامعه‌شناختی مشارکت در اجتماعات دینی مجازی

و رابطه آن با اجتماعات دینی واقعی، با راهنمایی مجید موحّد مجدّد، دانشگاه شیراز، دکتری جامعه‌شناسی.

کانت (۱۳۸۶)، روشن‌نگری چیست: نظریه‌ها و تعریف‌ها: مقالاتی از کانت، ارهارد، هامن، هررد، لسینگ،

مندلسزون، ریم، شیلر، ویلانند، گردآورنده و پی‌گفتار ارهارد بار، ترجمه سیروس آرین‌پور، تهران: آگاه.

کرم‌الهی، نعمت‌الله (۱۳۹۰)، اینترنت و دینداری، قم: بوستان کتاب.

گرام، گوردن (۱۳۹۳)، جستاری فلسفی در ماهیت اینترنت، ترجمه محمدرضا امین‌ناصری، تهران: کویر.

مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۶)، بحارالانوار، جلد ۷۴، قم: اسلامیة.

مصباحی جمشید، پرستو؛ محمدرضا سرمدی؛ فرح‌اللهی، مهران؛ میردامادی، سیدمحمد و اسماعیلی، زهره (۱۳۹۵)،

«وضعیت عقل، دین و علم در عصر پست‌مدرن و ملاحظات آن در تربیت معنوی با رویکرد انسان‌شناسانه»،

پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۳۳: ۱۲۶-۹۵.

هابز، توماس (۱۳۸۰)، لویاتان، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی.

هایم، مایکل (۱۳۹۰)، متافیزیک واقعیت مجازی، ترجمه سروناز تربیتی، تهران: رخ داد نو.

هوراکس، کریستوفر (۱۳۸۱)، پست‌مدرنیسم و مجازی‌شدن در نگاه مارشال

مک لوهان، ترجمه سروناز تربیتی، نادر صادقی لوسانی‌نیا، تهران: گفتمان.

Benedikt, Michael (1991 a), cyberspace: First Steps, Cambridge, MA: MIT Press.

Benedikt, Michael (1991 b), Cyberspace: some proposals, in M. Benedikt (ed) Cyberspace: First Steps, Cambridge, MA: MIT Press

Castells, Manuel, and Bob Catterall (2001 a) The Making of the Network Society, London:

INC.

Castells, Manuel, and Bob Catterall (2001 b) *The Internet Galaxy: Reflections on the Internet, Business, and Society*, Oxford: Oxford University Press.

Floridi, luciano (2003), "Two Approaches to the Philosophy of Information", *Minds and Machines*, 13 (4).

Gibson, William,(1984) *Neuromancer*, London, Grafton.

Kraut. Robert, Michael.Patterson,(1998) V. Lundmark, S Kiesler, T. Mukophadhyay and W. Scherlis Internet Paradox: "A Social Technology that Reduces Social Lnvovement and Psychological well-deing?", *American Psychologist*, vol.53, no.9, pp. 1017-31.

Siraj S.A & Ullah(2006) F. "Postmodernism and its insinuations on media and society", *Journal of development Communication* 18 (2).

Turkie, Sherry.(1995) *Life on the Screen: Identity in the Age of the Internet*, London: Secker & Warburg.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی